

مراتب آزمون های الهی

مراتب آزمون های الهی

مقدمه

عصر غیبت امام عصر عج بزرگترین و مهمترین و سخت ترین زمان آزمون الهی به شمار می آید. بسیار شنیده می شود که خدای تعالی مؤمنان را به واسطه بلاها و گرفتاری ها می آزماید اما آیا غیر مؤمنان هیچ بلا و مصیبتی در دنیا نمی بینند؟ یا اینکه آنها نیز به نوعی بلا و گرفتاری هایی را تجربه می کنند؟ در این صورت ابتلاهایی غیر مؤمنان در چه مواردی مشابه یا مشترک با ابتلاهایی اهل ایمان است و در کدام موارد با آن تمایز یافته و مخصوص کافران و منافقان می شود؟ و آیا مؤمنان در شدت ابتلائات اختلاف مراتب داشته و آزمون های الهی در باره ایشان نوعی دسته بندی را برمی تابد یا خیر؟

پاسخ به این پرسش اثر اعتقادی، اخلاقی و روانی بسیاری به دنبال دارد و موجب آرامش و بالما رفتن استئانه تحمل مؤمنان شده، آنها را برای مواجهه با آزمون های الهی آماده می سازد.

بلاهای مشترک مؤمنان و غیر اهل ایمان

ظالمان و کافران در دنیا دو گونه رنج و ابتلا دارند: یکی رنج های طبیعی که مقتضای زندگی مادی و محدود دنیا ست زیرا سرور و شادکامی این جهان محدود است و در نهایت انسان را ناکام گذاشته یا دلزده می کند که قرآن کریم فرمود «متاع الدنیا قلیل» بهره ی دنیا اندک است. (نساء / 77) و حضرت علی (ع) هم فرموده اند: «نشد که از دنیا دلی شاد و لبی خندان شود، و پس از زمانی بس کوتاه، چشمی گریان پی آمد آن نباشد، هرگاه خوشی ها به کسی روی آورد، بی درنگ با شرنج رنج ها روگرداند.

شبنمی از رفاه بر بوستانی ننهانید، جز آن که از گرفتاری و رنج رگباری سخت بر آن جا بیارید

و از دنیا جز این انتظاری نیست که بامدادان یاور انسان باشد و شامگاهان چهره‌ای ناشناس بنماید. اگر یک سویی آن به کام شیرین آید، دیگر سوبیش تلخ و هلاکت آور باشد. هیچ کس از فراوانی آن کامیاب نشد، مگر آن که رنجی از رنج‌های آن را دید...»

این دسته از آزمون‌های الهی میان اهل ایمان و غیر آنها مشترک بوده و ابتلای هر دو گروه از این جهت مشابه است. با این تفاوت که مؤمن این رنج‌ها را معنی‌دار و سبب پاداش برتری می‌داند، اما دیگران فقط رنج و درد آن را حس کرده، فراتر از سپری شدن آن و شاید رسیدن روزگاری خوش در این جهان ناپایدار امیدی ندارند.

بلاهای ویژه فاسقان و کافران

دومین نوع ابتلای اهل کفر و ظلم که مخصوص این گروه بوده و برای مؤمنین پیش نمی‌آید، این است که امکان بهره برداری از دنیا برای‌شان فراهم می‌شود تا سرانجام به ناگاه عذاب فرا رسیده و آنها دیگر فرصتی برای بازگشت و اصلاح نخواهند داشت.

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَاتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» هنگامی که آنچه را به آنها یادآوری شده بود، فراموش کردند؛ درهای همه چیز را به روی آنها گشودیم تا دل خوش شدند، ناگهان آنها را گرفتیم پس در این هنگام ناامید شدند. (انعام / 44)

به همین دلیل به پیامبر (ص) می‌فرماید که به آنها که از حق روی می‌گردانند هشدار بده و بگو «إِنْ أَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَيَّ حِينَ» من نمی‌دانم شاید این آزمایشی باشد و بهره‌ای برای مدتی که سرمی‌آید (انبیاء / 111)

بنابراین مرتبه‌ای از ابتلائات الهی مثل استدراج و مکر و املاء مخصوص کافران است که لباس تقوا را برکنده و از حریم عبودیت خارج شدند. «كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (اعراف / 163) البته این همه از لطف و رحمت خداوند است که روگرداندگان از آخرت را از نعمت اندک دنیا بهره مند می‌کند تا دست کم در این جا خوشی ناچیزی را تجربه کنند و همین بهره کم را از دوستانش می‌گیرد تا اجر عظیم اخروی را نصیب‌شان کند. هم از این رو پیامبر فرمود: «عَجَبًا لَعَبْدَ الْمُؤْمِنِ مَنْ شِيعَةٍ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنْ يُنْصَرَفِي الدُّنْيَا عَلَيَّ أَعْدَائِهِ فَقَدْ جَمَعَ لَهُ خَيْرَ دَارَيْنِ وَإِنْ أَمْتَحَنَ فِي الدُّنْيَا فَقَدْ ادَّخَرَ لَهُ فِي الآخِرَةِ مَا لَيْسَ كَوْنِ لَمْ حَنْتَهُ فِي الدُّنْيَا قَدْ نَدَّ إِضَافَتَهَا إِلَيَّ نِعْمَ الآخِرَةِ وَكَذَلِكَ عَجَبًا لِلْعَبْدِ الْمُخْلِيفِ لَنَا أَهْلَ الْمَبَيْتِ إِنْ حَذَلَ فِي الدُّنْيَا وَعَلَبَ بِإَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَقَدْ جَمَعَ عَلَيْهِ عَذَابَ»

المدارین .

شگفتا از بنده‌ی با ایمان از پیروان پیامبر و علی علیه‌السلام اگر در دنیا برآبر دشمنش یاری شده و پیروز گردد. زیرا خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کرده. و اگر به ناکامی آزموده شود، چنان با نعمت‌های افزوده بهشتی جبران می‌شود که اثری از رنج این آزمون باقی نماند. و شگفتا از دشمنان اهل بیت اگر در دنیا به دست مومنان شکست خورند. پس رنج دنیا و آخرت برای آنها جمع شده است.

این دو مراتبی از ابتلای کافران و منافقان و فاسقان بود. که يك مورد از آن برای مؤمنان هم محقق می‌گردد.

ابتلاهای مؤمنان

مومنان نیز مراتبی از ابتلا دارند که مخصوص آنهاست. زیرا آثار متفاوتی دارد و به طور کلی به ابتلاهای خیر و شر تقسیم می‌شود.

خدای تعالی خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: «وَنَبْلُوكُم بِالمَشَرِّ وَ المَخِيرِ فِتْنَةً» شما را به بدی‌ها و خوبی‌ها مبتلا می‌کنیم برای آزمایش (انبیا / 35)

امام صادق (ع) فرمودند: روزی حضرت علی (ع) بیمار بود و عده‌ای برای دیدار ایشان آمده و گفتند: یا امیرالمومنین چگونه شب را به صبح رساندید؟ حضرت فرمودند: «أَصَبَحْتُ بِشَرِّ» به بدی شب را پشت سر گذاشتم. پس آنها گفتند: سبحان الله! این سخن کسی مثل توست؟!

سپس امام (ع) آیه‌ی بالا را خواندند و تفسیر فرمودند: «فَالمَخِيرِ المَصِّحَتِ وَ المَغْنِيِّ وَ المَشَرِّ المَرِضُ وَ المَفَقَرُ، اِبْتِلاءٌ وَ اِخْتِبَارٌ» یعنی منظور از خیر سلامتی و ثروت است و مراد از شر بیماری و تنگدستی، برای آزمودن و آگاهی از حالات. پس مومنان به انواع و اقسام آزمون‌ها مبتلا می‌شوند. اما همه در یک سطح نیستند و ابتلاهای‌شان به اهداف و اغراض تربیتی متفاوتی صورت می‌گیرد.

ابتلای آمرزش

مومنان متوسط که به آیات الهی توجه دارند و گاهی بر اثر غفلت یا جهالت به خطا آلوده می‌شوند بر اثر همین گناهان خداوند آنها را گرفتار می‌کند تا اثر نیکی از خود به جا گذارند یا به سبب رنجی گناه‌شان شسته و بخشیده شود. هم از این رو قرآن کریم پس از اشاره به آیات الهی و روز حساب می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» اگر مصیبتی به شما رسید پس به خاطر آن است که با دست خودتان آن را کسب کردید و بسیاری از خطاهایتان آمرزیده می‌شود (شوری / 30) «روزی امام علی (ع) به جمعی از یارانشان فرمودند: می‌خواهید بگویم بهترین آیه در کتاب خدای عز و جل کدام است؟ پیامبر خدا (ص) به ما فرمود: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» چون خداوند عز و جل بزرگوارتر از آن است که آنچه در دنیا کیفر دانه در آخرت هم عفویت دهد و از آنچه در دنیا گذشته و عفو کرده، در آخرت دوباره به آن باز گردد»

بنابراین ابتلائات مومنان متوسط برای مغفرت و آمرزش آنهاست. امام صادق (ع) فرمودند: «اذا ارادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بَعْدَ خَيْرٍ فَأَذْنَبَ ذَنْبًا تَبِعَهُ بِنِقْمَةٍ وَيُذَكِّرُهُ الْمَاسْتِغْفَارَ وَإِنَّا ارَادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِعَجَبٍ شَرًّا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا تَبِعَهُ بِنِعْمَةٍ لِيُنْسِيَهُ الْمَاسْتِغْفَارَ وَيَتِمَادِي بِهِ وَهُوَ قَوْلُ اللهِ «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» بِالنِّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي». وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواهد اگر او گناهی مرتکب شود در پی آن او را به گرفتاری مبتلا می‌کند تا استغفار را به یاد او آورد. و هنگامی که حق تعالی برای بنده‌ای شر بخواهد در صورتی که گناهی انجام دهد به دنبال آن نعمتی می‌آورد تا استغفار از یاد او رفته و آن خطا را ادامه دهد و این سخن خداوند است که «آنها را از جهتی که نمی‌دانند فرومی‌بریم» با نعمت در وقت معصیت.

این حدیث به خوبی تفاوت ابتلای مومنان با غیر مومنان را بیان می‌کند اما انبیا و اولیا و مومنان برتر، از مراتب دیگر بلا بهر مند هستند.

ابتلای ارتقاء

گروهی از مؤمنان کسانی هستند که استوار و پایدار در مسیر مراتب ایمان سیر کرده و درجاتی پیدا کرده‌اند. این گروه از اهل ایمان به اهداف تربیتی دیگری غیر از آمرزش مورد آزمون‌های الهی قرار می‌گیرند. ابتلای آنها برای آمادگی یافتن در درک هدایت‌های ویژه است.

معمولاً این سطح از ابتلاها در مواجهه با کفار تحقق می‌یابد. و آنان که در رنج‌ها و مصائب ایمان‌شان را پاسب می‌دارند و از هدایت‌های ویژه الهی بهره‌مند می‌شوند، بر درجات‌شان افزوده می‌شود. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبئْسَ الْمَصِيرُ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ مِنَ اللَّهِ بِأَذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، آنها اهل آتش اند و همیشه در آن خواهند ماند و سرانجام بدی دارند. مصیبتی به کسی نمی‌رسد مگر به اذن خداوند و کسی که به خدا ایمان آورد قلبش هدایت یافته و او به همه چیز داناست. (تغابن / 10 و 11).

مصادق بارز این آیه پیامبرانی هستند که در برابر کفار ایستادگی می‌کنند و همه رنج‌ها را به جان می‌خرند تا بر هدایت‌شان افزوده شود و در مدارج قرب بالا روند. قرآن کریم درباره‌ی کسانی که در پی خشنودی حق تعالی هستند می‌فرماید: « هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (آل عمران / 163) یعنی آنها که جان‌شان در فراز و فرودها آزموده می‌شود و تنها در پی رضای محبوب اند خودشان درجاتی در پیشگاه خداوند هستند. نه اینکه برای آنها درجات و جایگاهی قرار داده می‌شود ، بلکه آن درجات عین نفس پلک و آزموده‌ی آنهاست که هر رنجی را برای رضای خدا می‌پسندند و می‌پذیرند و اگر آن درجات مرتبه و منزلتی دارند از فیض وجود و حضور آنهاست.

ابتلای انقطاع یا ابتلای اخلاص

مرتبه‌ی دیگر از ابتلای مومنان که مربوط به اولیای خداست در سوره‌ی حدید بیان شده است « ما اصابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْمَآرِضِ وَ لَا فِي اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَبْرَأَهَا اِنَّ ذَلِكَ عَلَيَّ اَللّٰهُ يَسِيرٌ * لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَيَّ مَا فَعَلْتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا اَنْتُمْ بِاللّٰهِ لَا يَحِبُّ كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ » هیچ خیر و شری در زمین یا در جانتان به شما نمی‌رسد مگر این که در کتابی قبل از پیدایش آن نوشته شده این کار برای خدا سهل است * برای اینکه به آنچه از دست می‌دهید غمگین نشوید و برای آنچه به شما می‌رسد سرخوش و دلشاد نگردید و خداوند هیچ خیال پرداز فخر فروش را دوست ندارد (حدید / 22 و 23)

علامه طباطبایی می‌فرماید « مصیبت ، واقعه‌ای است که برای چیزی پیش می‌آید و از اصابت تیر با هدف گرفته شده و بنابر این مفهوم شامل خیر و شر می‌شود ولی در استعمال معمولاً برای شر به کار می‌شود »

در این مرتبه از امتحان و ابتلای مومنان سخن بر سر این نیست که در مصایب ایمان به خدا را حفظ کنند تا بر هدایت‌شان افزوده شود ، بلکه سخن این جاست که در این مصایب به انقطاع کامل برسند و به چیزی رنجور یا خرسند نگردند نه اینکه در رنج و خرسندی در راه رضای خدا بکوشند و دست در دست خدا بگذارند . در این جا کسی که دست خدا به یاری اش آمده می‌کوشد که خود را از هرچه غیر معبود است ، جدا سازد .

« هنگامی که امام زین العابدین (ع) به سوی یزید آورده شدند و در برابر او ایستادند ، آن ملعون گفت : « و ما اصابكُم مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ اَيْدِيكُم » ! سپس امام سجاد (ع) فرمودند : این آیه درباره‌ی من نیست ، بلکه خداوند درباره‌ی من فرمود : « ما اصابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْمَآرِضِ وَ لَا فِي اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَبْرَأَهَا »

حل يك تعارض

مراتبی که برای ابتلائات برشمرديم ، تقریباً در حدیثی از امیرالمومنین علی (ع) بیان شده است : « إِنَّ الْمَبْلَاءَ لِلظَّالِمِ آدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ إِسْتِحْسَانٌ وَ لِلأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ » به درستی که بلا برای ستمگران عقوبت و ادب کردن است و برای مومنان آزمون و برای انبیا درجه و برای دوستان و مقربان خداوند کرامت است .

ممکن است با دیدن این حدیث شریف تعارضی به نظر بیاید . زیرا در بسیاری از روایات که نمونه هایی از آن را پیش از این خواندیم این مضمون وجود دارد که « اَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءَ الْمُنْبِيَاءِ ثُمَّ الْمُدِينِ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْمَائِلُ فِ الْمَائِلِ »

بنابراین روایات بالاترین درجات ابتلا به انبیا نسبت داده شده ولی در حدیث پیش گفته فراتر از پیامبران ابتلاء اولیاست . پاسخ این است که پیامبران دارای درجات مختلفی هستند « وَ رَفَعَ بَعْضُهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ » (بقره / 253) و حواریون و جانشینان آنها نیز به حسب اختلاف درجات پیامبرشان مراتب گوناگونی پیدا می کنند و ممکن است پیروان و اصحاب پیامبری که برتر از پیامبران دیگر است از پیروان آن نبی و حتی از خود آن پیامبر رشد یافته تر و بلند مرتبه تر باشند . هم از این رو برخی از اولیای خدا به خصوص جانشینان و پیروان سید انبیا حضرت محمد مصطفی (ص) می توانند از سایر پیامبران منزلتی برتر داشته باشند . و صد البته که چنین است و مصداق بارز آن معصومین از اهل بیت رسول اکرم (ص) هستند . با این ملاحظه آن حدیث کاملاً روشن می شود که پیامبران شدیدترین بلاها را دارند سپس آنها که در مقام و مرتبه پس از آنها می آیند . بنابراین در بین اولیایی که از سایر انبیا برتراند ، پیامبری است که شدیدترین بلا برای اوست و سپس برای کسانی که پس از او هستند « ثُمَّ يَلُونَهُمْ » . پس از روشن شدن این مطلب که مومنان به حسب ایمانشان گرفتاری ها و آزمون های دشوارتری دارند ، لازم است به حل یک تعارض در روایات پردازیم . زیرا حضرت علی (ع) می فرماید : « أَلَا وَ إِنَّ مِنْ الْمَبْلَاءِ الْمَفْلَاقَةَ وَ اَشَدُّ مِنْ الْمَفْلَاقَةِ مَرَضُ الْمَبَدَّنِ وَ اَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْمَبَدَّنِ مَرَضُ الْمُقَلْبِ . » هوشیار باشید که برآستی نداری از جمله بلاهاست و سخت تر از نداری ، بیماری تن است و سخت تر از آن بیماری قلب است .

در این روایت شدید ترین بلا، بیماری های قلبی معرفی شده که مصداق بارز و کامل آن کفر و نفاق است که به هیچ روی در انبیا و اولیا وجود ندارد . و در مجموع معلوم نیست که شدیدترین بلاها برای پیامبران است یا دشمنان خدا و رسولان اش .

راه حل این تعارض توجه به عدم وحدت موضوع است زیرا بلاهای ظاهری و دنیایی غیر از بلاهای باطنی و اخروی است . در بلاهای ظاهری پیامبران شدیدترین و دشوارترین بلاها را می چشند . اما بلاهای باطنی موضوعی دیگر است که ویژه ی کفار و منافقان بوده و مکر و استدرج شیوه ها و ابزارهایی برای ابتلائات باطنی و اخروی دشمنان حق است و ذره ای از بلاهای باطنی از نظر شدت و تلخی در مقیاس سعادت انسان با همه بلاهای انبیا و اولیا و مومنان از آغاز آفرینش تا قیامت قابل مقایسه نیست . از این رو خدای تعالی بیمار دلان هدایت ناپذیر را به حال خود رها کرده و در نعمت ظاهری دنیا قرار می دهد زیرا

آن ها گرفتار بدترین بلاها هستند و در این نعمت ها خیري براي آنها نیست . لذا امام علي (ع) فرمود « ما خَيْرٌ بِخَيْرِ بَعْدَهُ النَّارُ وَ مَا شَرُّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْمَجْنُونِ مَحْقُورٌ وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ » . در خوشي که بعد از آن آتش است ، خیر نیست . و ناخوشایندى که پس از آن بهشت است ، بد نیست . هر نعمتي غير از بهشت ناچيز است و هر بلايي غير از آتش عافيت و سلامتي است .

پس با معيار سعادت حقيقي انسان مي توان بلاياي ظاهري و باطني را سنجيد و با هم مقايسه كرد حاصل آن مقايسه اين است که با بلاي باطني شديدترين گرفتاري هاست و دربارۀ بلاياي دنيايي و ظاهري بايد گفت کل بلا دون النار عافية .

اختصاص بلا در دنيا براي مومنان

در بعضي از روايات بلاها مخصوص مومنان دانسته شده و موجب هراس عده اي از دين و ايمان گرديده است . مانند روايت ابن فضال از ابن بکير که مي گويد از ابا عبدالله (ع) پرسيدم آيا مومن به جذام و پيسي و مثل آن مبتلا مي شود . امام (ع) فرمودند : « ؤَلْ كُتِبَ الْمَبَلَاءُ الْمَا عَلَي الْمُؤْمِنِ » آيا بلا براي غير مومن نوشته شده است ؟

و سدیر صیرفي از امام باقر (ع) نقل کرده است که به ابي جعفر (ع) گفتم آيا مومن مبتلا مي شود . فرمود : « ؤَلْ يَبْتَ لِي الْمَلَأُ الْمَا الْمُؤْمِنِ ... » آيا خداوند غير مومن را مبتلا مي کند ؟

عيسي بن ابي منصور از امام صادق (ع) روايت کرده : « إِنَّ الْمَلَأَ يَدُوذُ الْمُؤْمِنِ عَمَّا يَشْتَرِيهِ كَمَا يَدُوذُ أَحَدَكُمُ الْمَعْرِبَ عَنِ ابِلِهِ لَيْسَ مِنْهَا . » برابستي که خداوند مومن را از آن چه ميل دارد و مي خواهد ، باز مي دارد ، همان طور که يکي از شما بيگانه را از شترى که براي او نيست منع مي کنيد .

ابي بصير نيز از امام صادق (ع) نقل مي کند که « کان علي (ع) يَقُولُ إِنَّ الْمَبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَي شِيَعَتِنَا مِنَ الْمَسِيلِ إِلَي قَرَارِ الْوَالِدِي » اميرالمومنين همواره مي فرمود: واقعا که بلا به سوي شيعيان ما با سرعت تر از سيل به زمين پست نزديک مي شود .

امام باقر (ع) نيز فرموده اند : « إِنَّ الْمَلَأَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنِ بِالْمَبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْمَلَأَةِ مِنَ الْمَغِيبَةِ وَ يَحْمِيهِ كَمَا يَحْمِي الْمَطَّيْبُ الْمَرِيضَ » بدرستي که خداوند عزيز و با جلال بنده ي مومن را با بلا و گرفتاري مورد لطف قرار مي دهد همانطور که مرد به هنگام سفر خانواده اش را با فرستادن هديه مورد لطف قرار مي دهد و دنيا بر مومن داغ مي گذارند همانطور که طبيب بر بيمار قال

رسول الله صلی الله علیه وآله : « إِنَّ الْمَلَّةَ لَيَغْزِي غَزِيَّ بَدَهَ الْمُؤْمِنَ بِالْمَبَلَاءِ كَمَا تَغْزِي الْمَوَالِدَةَ وَلَدَهَا بِالْمَلِّبَانِ » خداوند بنده ی مومن خود را با بلا و گرفتاری تغذیه می کند همچنان که مادر فرزند خود را با شیر. این همه در حالتی است که در مباحث گذشته معلوم شد که ظالمان و کافران نیز انواعی از بلا و مراتبی از ابتلا را دارند . پس معلوم می شود این اختصاص که به ویژه در روایات اول و دوم ظهور دارد ، مربوط به مراتبی از بلاست که ویژه مومنان است . یعنی از نوع ابتلای ادب و عفویت نیست بلکه ابتلای امتحان یا درجه و یا کرامت است که در بحث پیش بررسی و تبیین گردید . در قرآن مجید می خوانیم : « ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند ، (پیامبران) فرستادیم ؛ سپس آنها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم ؛ شاید به بندگی روی آورند پس چرا هنگامی که بلاهایی ما به آنها رسید دلهایی شان سخت شد و شیطان اعمال ناشایستشان را زیبا جلوه داد . پس چون آنچه به آنها یاد آور شدیم را فراموش کردند ، درهایی همه چیز را به روی آنها گشودیم تا شادکام (و دلیسته شوند) ؛ ناگهان همه را گرفتیم ، پس ناامید شدند » از این آیه شریفه بر می آید که بعد از آزمونهایی ویژه ی مومنان ، در صورت موفق نشدن بندگان ، نوبت به آزمون های کافرانه نظیر مکر و استدراج و در نهایت بلای عفویت می رسد . ممکن است پرسشی در این جا پیش آید : که این آیات مربوط به مشرکان و کافران است که حتی بعد از آمدن آیات و ابتلائات الهی به حق روی نیاورده اند چطور ابتلائاتشان مومنانه بوده ؟

پاسخ اینکه خودشان مومن نبوده اند اما ابتلائات مومنانه برای کشف و شکوفایی استعداد عبودیت و ایمان فطری است که خدای تعالی همه ی امت ها را به این گونه بلاها می آزماید و اگر از خود شایستگی نشان ندهند به ابتلائات کافرانه گرفتار می کند . حق تعالی برای پیامبر (ص) در فرمایشی این دو گونه ابتلا را از جهت مصادیق دنیایی تفکیک نموده است : « ای محمد اگر بنده ای را دوست بدارم ، او را با سه چیز مواجه می سازم دلش را غمگین ، بدنش را بیمار و دستش را از بهره ی دنیا تهی می کنم ... و آنگاه که بر بنده ای خشم گیرم او را با سه حالت همراه می کنم دلش را شاد ، بدنش را سلامت و دستش را از بهره های دنیا پر می کنم . »

در مجموع ابتلائات اهل شقاوت در دنیا کمتر از مومنان است همانطور که علی ابن ابی طالب (ع) از رسول الله روایت کرده اند : « الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَفْرَعُ فِيهَا وَ أَمَّا الْكَافِرُ فَيُؤْتَمَّرُ فِيهَا »

زیرا رنج کم دنیا عاقبتی خوش دارد « وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (علی / ؟) و درمقابل خوشی ناپایدار دنیا رنج بسیار آخرت را در پی دارد لذا فرمود « قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ » بگو به سبب کفرت اندکی بهرمنند باش ، بدرستی که تو اهل آتش هستی (زمر / 8) از امام صادق (ع) روایت شده : « إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنْذَرًا كَانُوا فِي شِدَّةِ أَمْرٍ إِنَّ نَزَلَ إِلَيْ مُدَّةٍ قَلِيلَةٍ وَ عَافِيَةٍ طَوِيلَةٍ » برآستی که اهل حق همواره در سختی هستند اما آن تا زمانی کوتاه و آسایش بلند مدت است .

برنامه ی آزمون الهی مومنان و کافران به رنج و نعمت در دنیا در نمونه ای از فرمایشات امام جعفر صادق (ع) به خوبی نشان داده شده است « روزی دو فرشته از آسمان به زمین می آمدند که یکدیگر را ملاقات نمودند . یکی به دیگری گفت : برای چه کاری فرو می آیی . پاسخ داد : خداوند مرا مامور کرده است که به دریای ایل بروم و یک ماهی نادر را برای حاکمی ستمگر که به آن میل پیدا کرده ، بالا بیاورم . تا او در کفرش به نهایت آرزوی دنیایی برسد . اما تو برای چه کاری می روی ؟ فرشته ی دیگر پاسخ داد من مامورم تا کاری شگفت انگیز تر از کار تو انجام دهم . به سوی بنده مومنی می روم که روزه دار و نمازگذار بوده و دعا و صدایش در آسمان شناخته شده است . می روم تا ظرف غذايش را که برای افطار آماده کرده ، بریزم تا به نهایت آزمون در ایمانش برسد »

بنابراین هر بلایی برای آزمودگی مومن به او می رسد، آثار پر برکت آن برایش ذخیره می شود .

« اگر خدا بنده ای را دوست بدارد به شدت او را در بلا غرق می کند . » پس « مومن از رنج های دنیا در امان نیست اما از نابینایی و بدبختی آخرت در امان است . » حضرت سجاد (ع) فرمودند : « إِنَّ يَ لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعَافِيَ فِي الدُّنْيَا فَلَا يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ » همانا نمی پسندم برای کسی که در دنیا سلامت و آسوده باشد و از حوادث دنیا چیزی به او برخورد نکند. روزی پیامبر (ص) دعوت شدند؛ وقتی وارد منزل میزبان شد به مرغی که بالایی دیوار بود نگاه کردند او تخمی گذاشت که از بالا افتاد روی میخی که در دیوار بود و همانجا ماند و نشکست ، رسول الله صلی الله علیه وآله شگفت زده شدند آن مرد گفت آیا از این حادثه تعجب می کنید ؟ به خدایی که شما را به حق مبعوث کرده هیچ گاه مصیبتی به من نمی رسد ! پیامبر برخاستند و چیزی نخوردند و فرمودند : « مَنْ لَمْ يَرْزَأْ فَمَالَهُ فِيهِ مِنْ حَاجَةٍ » کسی که رنجی به او نمی رسد، خداوند کاری به او ندارد .

بنابراین مومنان در دنیا بیش از غیر اهل ایمان دچار بلا می شوند و از آثار آن بهره مند می گردند اما کافران و منافقان نیز بلاهای مخصوص خود را دارند و البته در دنیا از بهره ی بیشتری برخوردارند .

به هر حال خداوند کسی را که دوست دارد او را برای رسیدن به خودش تربیت می کند و فراز و فرودها باید برای بنده شیرین باشد.

والمسلم على من اتبع الهدى